



University of Tehran press

A Sociological Approach to the Manifestation of Translator Gender in the Persian Translations of the Arabic Novel Al-Aswad Yaliq Bik



Melika Afruz* 0009-0002-9050-3180

of Arabic Language and Literature, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kashan, Kashan, Iran..

Email: melikaafroz0@gmail.com



Ali Bashiri** 0000-0001-5401-6049

Department of Arabic Language and Literature, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kashan, Kashan, Iran..

Email: a.bashiri@kashanu.ac.ir



Zohreh Gharai*** 0000-0002-2983-3589

Department of English, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kashan, Kashan, Iran..

Email: zgharai@kashanu.ac.ir

ABSTRACT

The existence of a women's language has long attracted the attention of linguists and sociologists leading to several studies in this area. Within this framework, the present research—qualitative deductive content analysis—aims to investigate the manifestation of translator gender in the Persian translations of Al-Aswad Yaliq Bik by Ahlam Mosteghanemi. Two available Persian translations of the novel, one by a male translator and one by a female translator, were selected. For data coding, a codebook was developed on the basis of the linguistic features attributed to women's language by Lakoff. Two experts independently coded the text, assigning each instance to one of five categories: (a) lexis belonging to the women's domain, (b) use of emphasis and intensifiers, (c) inclusion of details, (d) polite speech, and (e) use of feminine words and expressions. The results showed that not all features attributed to women's language appear in the female translator's discourse; among them, polite speech and feminine expressions were more salient in the male translator's discourse. The use of affective modes, another feature attributed to women's language, was likewise found in the male translator's discourse. Therefore, the features attributed to women's language are neither universal nor absolute. The findings were examined from a sociological perspective, considering the concept of social roles and focusing on gender as a phenomenon shaped by social and cultural factors. Additionally, the findings were interpreted through the lens of the social constructionist approach, viewing gender as a social construct. The findings can contribute to a deeper understanding of gender as a cultural and dynamic concept and can raise awareness of gender bias.

ARTICLE INFO

Article history:

Received: 16 August 2024

Received in revised form
11 January 2025

Accepted: 19 April 2025

Available online:
Spring 2025

Keywords:

Women's language;
Lakoff's features;
translator gender; social
constructionist approach

Afruz, M., Bashiri, A. and Gharai, Z. (2025). A Sociological Approach to the Manifestation of Gender in the Persian Translations of the Arabic Novel 'Al-Aswad Yaliq Bik'. *Journal of Foreign Language Research*, 15(1), 33-46. <http://doi.org/10.22059/jflr.2025.380967.1147>.



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2025.380967.1147>.

*Melika Afruz Ph.D. Student of Arabic Literature Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kashan, Kashan, Iran.

** Ali Bashiri is Assistant Professor of Arabic Language and Literature in university of Kashan. Her areas of interest in research include Translation studies.

*** Zohreh Gharai is currently an assistant professor of Translation Studies at the University of Kahan. Her research interests particularly lie in issues concerning literary translation and translator training.



انتشارات دانشگاه تهران

رویکردی جامعه‌شناختی به نمود جنسیت مترجم در ترجمه‌های فارسی رمان «الأسود یلیق بک»

ملیکا افروز *

گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

رایانامه: melikaafroz0@gmail.com

علی بشیری **

گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

رایانامه: a.bashiri@kashanu.ac.ir

زهره قرائی ***

گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

رایانامه: zgahraei@kashanu.ac.ir



چکیده

وجود زبان زنانه از دیرباز مورد توجه زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان بوده است و مطالعاتی چند در این زمینه صورت گرفته است. در این راستا، این پژوهش از نوع تحلیل محتوای قیاسی کیفی با هدف بررسی نمود جنسیت مترجم در ترجمه رمان «الأسود یلیق بک» از احلام مستغانمی انجام شده است. برای انجام این پژوهش، ترجمه‌های موجود این رمان از یک مترجم مرد و یک مترجم زن انتخاب شدند. به منظور کدگذاری داده‌ها، با توجه به ویژگی‌های منتسب به زبان زنان توسط لیکاف کتابچه کدگذاری (codebook) تهیه شد و دو متخصص به‌طور مستقل متن را کدگذاری کردند و مصداق‌ها را در یکی از پنج دسته واژگان متعلق به حوزه زنان، کاربرد تأکید، ذکر جزئیات، گفتار مؤدبانه و کاربرد واژگان و تعابیر زنانه قرار دادند. نتایج نشان داد که همه ویژگی‌های منتسب به زبان زنانه در گفتار مترجم زن کاربرد ندارد و از این میان نمود گفتار مؤدبانه و تعابیر زنانه در کلام مترجم مرد بارزتر بود. کاربرد وجوه عاطفی نیز یکی دیگر از ویژگی‌های منتسب به زبان زنانه بود که در کلام مترجم مرد یافت شد. بنابراین، ویژگی‌های زبان زنانه جهان‌شمول و کلی نیستند. نهایتاً یافته‌ها از منظر رویکرد جامعه‌شناختی و با در نظر گرفتن مفهوم نقش‌های اجتماعی و تمرکز بر جنسیت به‌عنوان امری متأثر از مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی بررسی شدند. به علاوه، یافته‌ها از منظر رویکرد ساخت‌گرایی اجتماعی و مفهوم جنسیت به‌عنوان یک ساخته اجتماعی تبیین شدند. یافته‌های این مطالعه می‌تواند به درک عمیق‌تری از جنسیت به‌عنوان مفهومی فرهنگی و پویا کمک کند و نسبت به سوگیری‌های جنسیتی آگاهی ایجاد کند.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۵/۲۶
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰
تاریخ انتشار: بهار ۱۴۰۴
وع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

لگوی لیکاف، جنسیت مترجم، زبان زنانه، رویکرد ساخت‌گرایی اجتماعی، رمان لأسود یلیق بک.

افروز، ملیکا، بشیری، علی و قرائی، زهره. (۱۴۰۴). رویکردی جامعه‌شناختی به نمود جنسیت مترجم در ترجمه‌های فارسی رمان «الأسود یلیق بک» پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۵ (۱)، ۳۳-۴۶.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2025.380967.1147>.



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2025.380967.1147>.

* ملیکا افروز کارشناس ارشد مترجمی زبان عربی دانشگاه کاشان است. زمینه‌های مورد علاقه او در پژوهش مطالعات ترجمه است.

** علی بشیری استادیار گروه مطالعات زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان است. زمینه‌های مورد علاقه‌ی او در پژوهش شامل مطالعات ترجمه است.

*** زهره قرائی استادیار مطالعات ترجمه‌ی گروه انگلیسی دانشگاه کاشان است. زمینه‌های مورد علاقه‌ی او شامل مسائل مرتبط با ترجمه‌ی ادبی، فرهنگ و جامعه در ترجمه و آموزش ترجمه‌ی شفاهی و مکتوب است.

۱. مقدمه

جنسیت (Gender) از مفاهیم بحث‌برانگیز زبان‌شناسی اجتماعی است. در ارتباط با رابطه جنسیت و زبان، زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان رویکردهای مختلفی اتخاذ کرده‌اند. برخی از آن‌ها به تمایز بین زبان زنان و مردان قائل هستند. **اتو یسپرسن** (۱۹۲۲)^۱ از جمله این افراد است. او با تأکید بر تفاوت‌های واژگانی و نحوی زبان زنان، اصطلاح گویش جنسیتی (Genderlect) را مطرح می‌کند. چنین نگرشی ریشه در تفکری دارد که گفتار مردانه را استاندارد و معیار سنجش در نظر می‌گیرد. **روبین لیکاف** (۱۹۷۵)^۲ نیز تمایز زبان زنانه را ناشی از عدم اعتماد به نفس زنان می‌داند. این نوع نگرش به تمایز میان زبان زنانه و مردانه به عنوان رویکرد نقصان (Deficit) شناخته می‌شود (**کوتس**، ۲۰۱۳)^۳ در همین رابطه، **رضوانی** (۱۳۹۹) هم اذعان می‌دارد که واژه زن در سایه واژه مرد تعریف می‌شود و تعیین مرز حضور اجتماعی برای زنان حاصل نگاه جنسیتی به زنان است. چنین رویکردی ضمن تأکید بر مفهوم دوگانه از جنسیت در ذات زبان، یعنی وجود زبان مردانه و زبان زنانه، ادعا می‌کند که جنسیت با ویژگی‌های متمایز ثابتی شناخته و از سبک ارتباطی متفاوت زنان و مردان ناشی می‌شود.

اما گروهی دیگر از زبان‌شناسان و به خصوص جامعه‌شناسان، در وجود چنین تمایز زبانی تردید کردند و آن را برآیندی دانستند که توسط جامعه ساخته می‌شود. در این راستا، **هولمز** (۲۰۱۳)^۴ معتقد است که حتی اگر چنین تمایزی در ذات زبان وجود داشته باشد، جنسیت انحصاری نیست و بیشتر به شکل گرایش‌های در حال نوسان است. همچنین **کوتس** (۲۰۱۳) با اشاره به رویکرد پویا (Dynamic) یا ساخت‌گرایی اجتماعی (Social constructivism) اذعان می‌دارد هویت جنسیتی و نقش‌های جنسیتی از رهگذر تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرند.

اکنون با گذشت چند دهه از حضور زنان در جامعه، پذیرش نقش‌های اجتماعی متعدد و جبران نادیده گرفته شدن و به دنبال آن افزایش اعتماد به نفس زنان، سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا ویژگی‌های منتسب به زبان زنانه همچنان در انحصار زنان است و معیاری موثق برای بازشناختن زبان زنان و مردان به شمار می‌رود؟ این پرسش در مطالعات ترجمه هم محل بحث بوده است و همان‌طور که

پژوهش‌هایی برای بررسی سبک مترجم و ایدئولوژی او و نمود این مؤلفه‌ها در چگونگی ترجمه انجام شده است، نمود جنسیت مترجم در انتخاب‌های زبانی او جالب‌توجه بوده است. عمده پژوهش‌های موجود در بررسی ترجمه‌های انگلیسی و فرانسوی بوده است. **اعطار شرقی و نوروزعلیایی** (۱۳۹۹)، ضمن اشاره به کاستی‌های این دسته از پژوهش‌ها در جهت قابل‌تعمیم بودن ویژگی‌های منتسب به زبان زنانه، به ضرورت انجام این دسته از پژوهش‌ها در ترجمه‌های رمان به زبان‌های دیگر اشاره می‌کنند. آن‌ها همچنین بیان می‌دارند که این مطالعات به ارائه صرف آمار میدانی زبان زنانه ختم می‌شود و کمبود تحلیل‌های جامعه‌شناختی در این زمینه مشهود است. بنابراین، در جهت رفع این شکاف پژوهشی، در این پژوهش، ترجمه‌های فارسی یک رمان عربی انتخاب شده‌اند تا نمود جنسیت مترجم در انتخاب‌های زبانی بررسی شود. برای نیل به این هدف، رمان **الأسود یلیق بک** از احلام مستغانمی بررسی شد. این رمان توسط **مریم اکبری** (۱۳۹۷) و **محمد حمادی** (۱۴۰۲) به ترتیب در انتشارات نیلوفر و هیرمند به چاپ رسیده است. پرسش کلی که در این پژوهش مورد نظر است بررسی نمود ویژگی‌های منتسب به زبان زنانه در الگوی لیکاف در کلام مترجم زن و مرد است. در این راستا، این پژوهش به‌طور خاص به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد؛

۱. آیا کاربرد واژگان خاص حوزه زنان، تنها متعلق به گفتار زنان است یا در زبان مردان نیز مشهود است؟
۲. برخورد مترجم زن و مرد در ترجمه تشدیدکننده‌ها چگونه است؟
۳. میزان تعهد مترجم زن در ترجمه جزئیات، به عنوان مؤلفه‌ای مهم در الگوی لیکاف، بیشتر است یا مترجم مرد؟
۴. آیا تنها زنان همواره پایبند به وجه مؤدبانه زبان هستند و شیوه غیرمستقیم کلام را اتخاذ می‌کنند؟
۵. جنبه عاطفی سخن در کلام کدام مترجم بارزتر است؟

۲. پیشینه پژوهش

۱-۲. مطالعات جنسیت‌محور در حوزه تألیف

در حوزه تأثیر جنسیت مؤلف در آفرینش متن می‌توان به پژوهش **غلامی** (۱۴۰۱) اشاره کرد. این پژوهش براساس

^۱ Coates (2013)

^۲ Holmes (2013)

^۱ Otto Jespersen (1922)

^۲ Robin Lakoff (1975)

نظریه نقد وضعی زنان الین شوالتر^۱ به نقد و بررسی چهار رمان عربی زن‌نوشت پرداخته است و سیر تحول آثار نویسندگان زن را از مرحله تقلید، عبور از مرحله اعتراضی و فمینیستی و در نهایت رسیدن به مرحله هویت فردی نشان داده است. نتایج حاکی از آن است که از میان این چهار نویسنده تنها مستغانمی با رمان *الأسود یلیقی* بک موفق شده است به مرحله هویت فردی برسد.

روان‌شاد و افضلی (۱۴۰۱) نیز در پژوهش خود نمود زنانه‌نویسی را در رمان *الأسود یلیقی* بک براساس نظریه سارا میلز بررسی کرده‌اند. آن‌ها با نظر به رویکرد لیکاف، زبان مستغانمی را در سه سطح واژگانی، نحوی و گفتمانی بررسی می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند که اگرچه نویسنده از شرایط و زندگی زن می‌نویسد، اما از واژگان متعلق به زبان زنانه کمتر استفاده می‌کند.

فرید و رستم‌پور ملکی (۱۴۰۱) به بررسی زبان شخصیت‌های زن و مرد رمان *طیور الیول* بر اساس نظریه لیکاف پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که امیلی نصرالله با کاربست ویژگی‌های زبان زنانه در کلام شخصیت‌های زن توانسته است سبک نوشتار زنانه را حفظ کند. آن‌ها ناسازگاری برخی متغیرها مانند کاربست دشواژه‌ها را با بی-سوادی برخی شخصیت‌های زن داستان مرتبط دانسته‌اند. در این راستا، **رحیمی و همکاران (۱۴۰۲)** اختلافات زبانی شخصیت‌های زنان و مردان را به لحاظ شاخص واژگانی لیکاف در رمان‌های شیوا ارسطویی و سیمین دانشور بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد که در مواردی کاربرد واژگان زنانه مورد نظر لیکاف در کلام نویسندگان مشهود است و در مواردی نیز کاربردی ندارد.

در مطالعه‌ای دیگر، **خلیل نژاد اصل و همکاران (۱۴۰۳)** سنت نوشتاری زنانه هدی برکات را بر پایه نظریه شوالتر در سه رمان *اهل الهوی، ملکوت هذه الأرض، برید اللیل* بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های سنت نوشتار زنانه در رمان سوم کمتر بروز یافته است و تابوشکنی نویسنده در بیان مسائل زیست‌شناختی قابل تأمل است.

۲-۲. مطالعات جنسیت‌محور در حوزه ترجمه

در زمینه کلی نقش جنسیت مترجم و ویژگی‌های ترجمه می‌توان چند دسته پژوهش را شناسایی کرد. در برخی مطالعات مانند پژوهش **هادی‌پور و بهرامی نظرآبادی (۱۳۹۶)** از

ترجمه‌آموزان زن و مرد خواسته‌اند گزیده‌ای را ترجمه کنند. در این پژوهش ابتدا داستانی را در اختیار دانشجویان مترجمی زن و مرد قرار دادند تا تأثیر جنسیت را در ترجمه بررسی کنند. نتایج نشان داد که زنان شیوه خاص زبان زنانه نویسنده اصلی را بهتر درک می‌کنند و وفاداری بیشتری نسبت به مردان در ترجمه دارند.

اما دسته دیگری از مطالعات به بررسی ترجمه‌های موجود مترجمان زن و مرد پرداخته‌اند. در این مطالعات، ترجمه‌ها از منظر مشخصی بررسی شده‌اند. پایان‌نامه **رمضانی (۲۰۱۲)** نقش هویت جنسیتی و ایدئولوژی مترجم رمان فوضی *الحواس* را در چگونگی و صحت ترجمه بررسی می‌کند. این پژوهش ضمن اشاره به ویژگی‌های فمینیستی رمان نشان می‌دهد که فرانس‌مایر در ترجمه این موارد چه میزان موفق عمل کرده است. در این راستا، در پژوهش **زندررحیمی و آخوندی (۱۴۰۰)**، با اتخاذ همین شیوه، نمود جنسیت مترجم در ترجمه خطبه‌ها و نامه‌های مربوط به زنان در نهج البلاغه بررسی شده است. نتایج نشان داد مترجم مرد بر خلاف مترجم زن سخنان امام علی (ع) درباره زنان را، که به اقتضای زمان سختگیرانه بود، با نگرشی مثبت و لحن لطیف‌تری نسبت به مترجم زن ترجمه کرده است.

دسته‌ای دیگر از پژوهش‌های حوزه ترجمه به منظور بررسی میزان موفقیت مترجم در انتقال زبان زنانه نویسنده انجام شده است. برای مثال، **محمدی (۱۳۹۹)** تلاش کرده است ترجمه عبدالحسین فرزاد را از *غم‌نامه‌ای برای یاسمن‌ها و علیه تو اعلان عشق می‌کنم* بررسی کند. نتایج نشان داد فرزاد برخی از واژگان را که مربوط به فضای درون خانه و تجربیات زیستی خاص زنان است و همچنین برخی ساختارشکنی‌ها را به درستی منتقل نکرده است. نکته‌ای که در بطن این دسته از پژوهش‌ها نهفته است این است که کلیشه‌ها و ویژگی‌های منتسب به زبان زنان باعث چنین سوگیری‌ها و نتیجه‌هایی به نفع وجود زبان زنانه می‌شود.

اما در یک پژوهش جامع، **اعطار شرقی و نوروز علیایی (۱۳۹۹)** به کاستی‌های پژوهش‌های موجود در ایران در حوزه زنانه‌نویسی، چه در زمینه تألیف و چه در زمینه ترجمه، پرداختند. از جمله کاستی‌هایی که به آن پرداخته‌اند این است که عمده این مطالعات در رمان‌های انگلیسی صورت گرفته است و کمبود تحلیل‌های جامعه‌شناختی در آن‌ها احساس

^۱ Elaine Showalter

می‌شود. با نظر به این شکاف پژوهشی، عمده پژوهش‌ها در زبان عربی در ارتباط با جنسیت و ترجمه به بررسی زبان زنانه متن ترجمه‌شده توسط مترجم زن می‌پردازد، درحالی‌که برای رسیدن به نتایج دقیق‌تر، لازم به بررسی تطبیقی ترجمه‌های یک یا چند رمان با مترجمان زن و مرد متعدد است. از آنجاکه کمتر رمان عربی زن‌نویست با دو مترجم زن و مرد موجود است، تاکنون بستر مناسبی برای چنین پژوهش‌هایی فراهم نشده است.

۳. چهارچوب نظری

از منظر جامعه‌شناسی زبان، چهار نوع رویکرد در ارتباط با زبان و جنسیت مطرح است. رویکرد اول به نقصان یا کاستی معروف است و شاید بتوان گفت مقاله «زبان و جایگاه زن» لیکاف آغازگر این رویکرد بود. او ویژگی‌هایی را در سطوح مختلف زبانی آوایی، واژگانی و ساختاری برای زبان زنان برمی‌شمارد. در واقع، طبق این رویکرد، تفاوت در زبان زنان و مردان نتیجه عدم توازن در روابط قدرت میان زن و مرد و عدم اعتماد به نفس زنان است. در ادامه این تأملات، دیل اسپندر (۱۹۸۰)^۱ ضمن تأیید وجود زبان زنانه، چرایی آن را به سیطره مردان نسبت می‌دهد. این دیدگاه منجر به شکل‌گیری رویکرد دوم، یعنی رویکرد سلطه (Dominance)، شد. آنچه که به نظر اسپندر بیش از هر چیز دیگری نیازمند توضیح است، ریشه‌ها و عملکرد زبان جنسیت‌گرا است. از نظر او، قواعدی که با آن زندگی می‌کنیم طبیعی نیستند؛ بلکه مردساخته‌اند. یکی از فراگیرترین و درعین حال مخفیانه‌ترین قواعد، قواعد معنایی مردمعیار است. تا زمانی که این قواعد را به کار می‌بریم، ملزم هستیم جهان را با هنجار مردان درک کنیم؛ بنابراین، کسی که مطابق با چنین معیاری نباشد خلاف هنجار و استانداردها محسوب می‌شود. به عقیده او، مردان در موقعیتی از قدرت، سلطه و کنترل قرار داشته‌اند که توانسته‌اند جهان را از منظر خودشان ببینند و زبانی را پدید آورند که در راستای اهداف خودشان است.

دیورا تینن (۱۹۹۴)^۲ به تفاوت‌های کلامی زنان و مردان قائل است و آن را نه ناشی از فرودستی زنان و نه نتیجه سلطه و سیطره مردان می‌داند، بلکه معتقد است دختران و پسران در دو دنیای متفاوت از کلمات رشد می‌کنند. این رویکرد، که به رویکرد تفاوت (Difference) معروف است، تفاوت گفتاری

زنان و مردان را ناشی از نحوه متفاوت اجتماعی شدن زنان و مردان می‌داند.

در کنار این سه رویکرد می‌توان به رویکرد چهارمی اشاره کرد که کمتر مطالعه‌ای به آن پرداخته است. کوتس (۲۰۱۳) در کتاب *زن، مرد و زبان* به این رویکرد اشاره می‌کند و آن را ساخت‌گرایی اجتماعی یا رویکرد پویا می‌نامد. به باور او، بروز و نمود جنسیت در زبان ثابت و ایستا نیست. طبق این رویکرد، جنسیت یک ساخت اجتماعی به شمار می‌آید و این بدین معنا است که جنسیت محصول و ساخته اجتماع است. تفاوت این رویکرد با رویکرد تفاوت در آن است که در رویکرد پیشین تأکید بیشتری بر تمایز بین دو جنس وجود دارد، درحالی‌که در ساخت‌گرایی اجتماعی جنسیت ساخته‌ای سیال است و در تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد. بنابراین، طبق ساخت‌گرایی اجتماعی، زبان و هویت زبانی ماهیتی پویا و در حال تغییر دارند. گرچه سه رویکرد قبلی نیز به نقش اجتماع در شکل‌گیری ویژگی‌های جنسیت قائل هستند، اما تفاوت اصلی رویکرد پویا با آن‌ها در این است که جنسیت منحصرأ یک ساخت اجتماعی تلقی می‌شود. برای مثال، یک شخصیت واحد با هویتی ثابت و در موقعیتی مشخص می‌تواند ویژگی‌های متناسب به زنانه زنانه را داشته باشد و در موقعیتی دیگر، ممکن است ویژگی‌های گفتار مردانه در کلام او دیده شود.

در پژوهش حاضر با هدف بررسی نمود جنسیت مترجم در ترجمه، در دسته‌بندی یافته‌ها از مؤلفه‌های زبان زنانه لیکاف استفاده شده است و نتایج پژوهش اساساً از منظر رویکرد ساخت‌گرایی اجتماعی (کوتس، ۲۰۱۳) تبیین شده‌اند.

۴. روش پژوهش

۴-۱. طرح پژوهش

این پژوهش از نوع تحلیل محتوای کیفی (qualitative content analysis) است. با توجه به اینکه هدف پژوهش بررسی نمود ویژگی‌های متناسب به زبان زنانه در زبان مترجم زن و مرد بوده است و نظر به این‌که ویژگی‌ها (طبق الگوی لیکاف) مشخص بوده‌اند و بنابراین دسته‌ها از پیش تعیین شده بودند، نوع تحلیل محتوا قیاسی (deductive content analysis) است و داده‌ها طبق فرآیندی بالا به پایین (top-down) جمع‌آوری شده‌اند (کرسول و کرسول، ۲۰۲۳).

^۱ Creswell & Creswell (2023)

^۱ Dale Spender (1980)

^۲ Deborah Tannen (1994)

۲-۴. چهارچوب نظری پژوهش

وون‌فلوتو (۲۰۱۰)^۱ پژوهش‌هایی را که در محل تلاقی جنسیت و مطالعات ترجمه انجام می‌شوند به سه دسته تقسیم می‌کند: (۱) پژوهش‌هایی که در تحلیل ترجمه در سطح کلان به جنسیت به مثابه مفهومی اجتماعی-سیاسی نگریسته می‌شود، (۲) پژوهش‌هایی که در مقیاس خرد به تحلیل نمونه‌های موردی متون ترجمه‌شده می‌پردازند و تمرکز آن‌ها بر ظرایف زبانی است که ممکن است در نتیجه جنسیت بروز یابند یا پنهان شوند، و (۳) مطالعاتی که محوریت آن‌ها تأثیر جنسیت بر پرسش‌های اساسی است که درباره ترجمه طرح می‌شوند و به بررسی چگونگی ارتباط این پرسش‌ها با عمل ترجمه می‌پردازند؛ به دیگر بیان، این رویکرد به بررسی نقش جنسیت در شکل‌گیری چهارچوب‌های نظری مرتبط با پژوهش در مطالعات ترجمه و ارتباط آن با عمل ترجمه می‌پردازد.

پژوهش حاضر به دسته دوم تعلق دارد. این پژوهش مؤلفه‌های زبان زنانه را اساساً از لیکاف (۱۹۷۵) گرفته است. طبق نظر او، واژگان بیانگر تردید، پرسش‌های تأییدخواهانه، درخواست‌های غیرمستقیم، تشدیدکننده‌ها، تکرار و استفاده مؤدبانه‌تر از زبان ویژگی‌های زبان زنانه هستند. همچنین، استفاده از صفات، کاربرد دقیق‌تر رنگ‌ها، کاربرد دقیق‌تر دستور و استفاده از لحن روبه‌بالا از دیگر ویژگی‌ها هستند. دسته‌بندی یافته‌های این جستار با نظر به ویژگی‌های منتسب به زبان زنانه لیکاف است. یافته‌های این پژوهش از منظر رویکرد چهارم، یعنی رویکرد پویا یا ساخت‌گرایی اجتماعی، (کوتس، ۲۰۱۳) تبیین شده‌اند.

۳-۴. پیکره پژوهش

پیکره این پژوهش رمان/آسود یلیقی بک و ترجمه‌های فارسی آن از مریم اکبری (۱۳۹۷) و محمد حمادی (۱۴۰۱) است. احلام مستغانمی در این رمان به توصیف سه دسته از زنان موجود در جامعه می‌پردازد. هاله به عنوان زنی استقلال‌طلب، نجلا، دخترخاله هاله، به عنوان زنی محتاط و میانه‌رو و مادر و عمه هاله به عنوان زنانی با طرز فکر سنتی.

۴-۴. روش کار

برای انجام پژوهش حاضر، به منظور کدگذاری داده‌ها، با توجه به ویژگی‌های منتسب به زبان زنان توسط لیکاف کتابچه کدگذاری (codebook) تهیه شد. کتابچه کدگذاری یا کدبک

جدولی است که برای دسته‌بندی و کدگذاری داده‌ها، به‌ویژه داده‌های کیفی، استفاده می‌شود (گوست و همکاران، ۲۰۱۲)^۲ استفاده از آن در مواقعی که چهارچوب‌های نظری و دسته‌های ازپیش تعیین شده وجود دارند و همچنین برای بررسی وجود یا نبود ویژگی‌ها در متن توصیه شده است (کرسول و کرسول، ۲۰۲۳).

در تهیه کدبک، چهار ستون در نظر گرفته شد. ستون اول به ویژگی موردنظر اختصاص یافت و در ستون دوم شرحی از آن ویژگی ارائه شد. سپس، در ستون سوم، مثالی از آن دسته (ویژگی) آورده شد تا ملموس و قابل فهم باشد، و ستون آخر به مصداق‌های یافته‌شده در متن اختصاص داشت. ردیف‌های کدبک نیز، با توجه به الگوی لیکاف، به ویژگی‌های منتسب به زبان زنان در سطح واژگانی و اصطلاحی اختصاص داشت. این ویژگی‌ها شامل (الف) واژگان مربوط به کاروبار و سرگرمی‌های زنانه، (ب) کاربرد تأکید، (ج) ذکر جزئیات، (د) گفتار مؤدبانه، و (ه) وجوه عاطفی و ابرازی و اصطلاحات و تعابیر زنانه می‌شد. از نظر ملاحظات اخلاق پژوهش، با توجه به اینکه در پژوهش‌های مرتبط با جنسیت سوگیری خواسته یا ناخواسته پژوهشگران در تحلیل داده‌ها محتمل است، استفاده از کدبک باعث می‌شود تحلیل داده‌ها عینی‌تر انجام گیرد. به علاوه، از آنجاکه کدگذاران از دو جنس مرد و زن بودند و شاخص پایایی میان کدگذاران مدنظر بود، احتمال سوگیری در تعبیر نتایج تا حد امکان کاهش یافت.

برای ارزیابی کارآمد بودن کدبک و رفع نواقص احتمالی، ابتدا بخشی از متن به دو متخصص (پژوهشگران این مطالعه) داده شد و از آن‌ها درخواست شد به‌طور مستقل آن بخش از متن را کدگذاری کنند، مصداق‌ها را در محل مناسب در جدول قرار دهند، و نظرات خود را راجع به کارآمدی کدبک و دسته‌ها بیان کنند. در جریان این فرآیند، ستونی دیگر به کدبک اضافه شد و در آن توضیحات بیشتر (برای نمونه، استثنائات) درج شد. سپس متخصصان، به‌طور مستقل، این بار مصداق‌های کل متن را کدگذاری کردند. بعد از کدگذاری، درباره موارد عدم توافق (سه مورد) به گفتگو نشستند و به اتفاق نظر رسیدند. برای ارزیابی میزان پایایی بین کدگذارها، از ضریب کاپا (Kappa coefficient) استفاده شد و نتیجه ضریبی بالاتر از ۰٫۸ بود (۰٫۹۲) که نشان‌دهنده پایایی بالا و توافق بالا میان کدگذاران است (برگ ولون، ۲۰۱۷)^۳.

^۲ Berg & Lune (2017)

^۱ von Flotow (2010)

^۲ Guest et al (2012)

۵. یافته‌ها و بحث

۱-۵. کاربرد واژگان خاص متعلق به حوزه زنان

از ویژگی‌های واژگانی زبان زنانه لیکاف (۱۹۷۵) استفاده از واژگان متداول در حوزه‌هایی است که زنان بیشتر در آن نقش داشته‌اند. طبق پژوهش روان‌شاد و افضلی (۱۴۰۱: ۱۱۵) اگرچه در این رمان مستغانمی در مورد زنان می‌نویسد، اما از واژگان متعلق به این حوزه کمتر استفاده می‌کند. بررسی ترجمه‌ها نشان داد که برخورد مترجم زن و مرد با این موارد متفاوت بود. گویی مترجم زن در مواجهه با این واژگان از عبارات تخصصی‌تری استفاده کرده است. برای مثال، عبارت «تطلی اظافرها» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۱۶۰) توسط مترجم زن «مانیکور کردن» (مستغانمی، ۱۳۹۷: ۱۷۳) و توسط مترجم مرد «لاک زدن» (مستغانمی، ۱۴۰۱: ۱۶۲) ترجمه شده است. مترجم زن واژه «روب البیت» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۲۱۱) را «روبدو شامبر» (مستغانمی، ۱۳۹۷: ۲۲۳) و مترجم مرد «لباس بلند خانگی‌اش» (مستغانمی، ۱۴۰۱: ۲۱۴) ترجمه کرده است. یا عبارت «کانت ضرّتها» در «لیست الأشجار، بل الأصفار» الی کانت ضرّتها، وهذا ما یفسد فرحتها» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۲۰۴) بیان می‌دارد که مترجم زن با الهام از فضای زنانه داستان و درک حساسیت زنانه شخصیت زن رمان به عنوان یک همجنس، از عبارت کنایی «هووی چیزی یا کسی بودن» استفاده می‌کند، در حالی که مترجم مرد این واژه را «آزار دادن» ترجمه کرده است. می‌توان استدلال کرد که این ترجمه‌های متفاوت ناشی از برداشت و ذهنیت متفاوت مترجم زن و مرد از واژه «ضرّة» با دو معنای «زیان رساندن» و «هوو» است (آذرنوش: ضرّ).

در نمونه‌های زیر ترجمه جزئیات رمان توسط مترجم زن و مرد مشهود است:

«تأملته وهو یختار القدر المناسب لكل الطبخة. سكاكين مختلفة حسب كل استعمال، يأخذ الوقت اللازم لتطرية البصل. يعرف الدقائق الكافية لشيء شرائح السمک. التوقيت الذي يقوى أو يخفّف فيه النار تحت الطبخة ومتى يضع الغطاء علی الرّز وهو یغلی» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۲۱۵).

مترجم زن: «طلال را که داشت قابلمه مناسب برای هر غذا را انتخاب می‌کرد زیر نظر گرفت. کاردهای مختلف هر کدام برای یک کار. برای معطر کردن پیاز زمان لازمی را صرف می‌کند. می‌داند برای کباب کردن برش‌های ماهی، چند دقیقه کافی است؛ در چه زمانی باید شعله را کم یا زیاد کند.

کی دم‌کنی را روی برنج که دارد غل می‌زند بگذارد و شعله را زیرش کم کند (مستغانمی، ۱۳۹۷: ۲۲۸).

مترجم مرد: «وقتی طلال داشت موارد لازم را پیمانه می‌کرد، هاله به او خیره شده بود. از چاقوهایی متنوع استفاده می‌کرد که هر کدام کاربردی ویژه داشتند، زمان معینی را به خرد کردن پیازها اختصاص داد، از تعداد دقیقی که در خلال آن‌ها تکه‌های ماهی را باید سرخ می‌کرد، اطلاع داشت و خوب می‌دانست چه وقت شعله زیر غذا را کم یا زیاد کند. چه موقع در قابلمه برنج را بگذارد و شعله اجاق گاز را کم کند (مستغانمی، ۱۴۰۱: ۲۱۸).

مستغانمی در این قسمت سعی دارد نشان دهد که چگونه طلال هاله را در این ماجرای عشقی به ستوه می‌آورد. او با کاربرد واژگان خاص حوزه زنان و ترسیم محیطی زنانه، طلال را آشپز ماهری به تصویر می‌کشد که در نظرش هاله دختر خامی است. او با خودخواهی خود می‌خواهد هاله را به پختگی برساند. آنچه مشخص است مترجم زن در ترجمه و دریافت استعاره‌های این بند دقیق‌تر عمل کرده است. واژه «القدر» به معنای «دیگ» و «دیگچه» آمده است (آذرنوش: قدر). ترجمه مترجم زن به این واژه نزدیک‌تر است، لیکن ترجمه دو مترجم برای واژه «سکاکین» تفاوت چندانی ندارد. «طری» به معنای «خیس کردن»، «معطر کردن» و «طراوت بخشیدن» است (آذرنوش: طری). مترجم زن در ترجمه عبارت «تطرية البصل» دقیق‌تر عمل کرده است. واژه «شوی» به معنای «کباب کردن» و «تنوری کردن» است (آذرنوش: شوی). مترجم زن از معادل «کباب کردن برش‌های ماهی» و مترجم مرد از معادل «سرخ کردن ماهی» استفاده کرده‌اند. می‌توان گفت مترجم زن بین «سرخ کردن» و «کباب کردن» تمایز قائل شده و دقیق‌تر ترجمه کرده است. «دم‌کنی» ابزاری است که در آشپزی اصولاً برای پخت بهتر غذا استفاده می‌شود. در این جا هم مترجم زن با ذکر «دم‌کنی» مضمون کنایی کلام نویسنده را در به تصویر کشیدن ظلم عاطفی طلال علیه هاله جوان و کم‌تجربه در عشق، بهتر نشان می‌دهد.

در مجموع، مترجم زن در برخورد با برخی کلمات و عبارات در زمینه خانواده، آشپزی و خیاطی از واژگان خاص آن حوزه استفاده می‌کند. نتایج این بخش هم‌راستا با پژوهش فرید و رستم‌پور ملکی (۱۴۰۱) است. آن‌ها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که واژگان مربوط به امور خانه، آشپزی و وسایل زنانه بارها از زبان شخصیت‌های زن داستان توسط

نویسنده بیان شده است. بنابراین، زنان در ذهن خود از این حوزه‌ها دایره‌واژگان گسترده‌تری دارند.

۲-۵. کاربرد تأکید و تکرار

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که برای گفتار زنان برشمرده می‌شود استفاده از تأکید و تکرار است (لیکاف، ۱۹۷۵). تأکیدکننده‌ها به‌ظاهر سخن را تقویت می‌کنند، اما درحقیقت چیز دیگری می‌گویند. اعتمادبه‌نفس پایین زنان سبب می‌شود که تصور کنند شاید صرف حرف زدنشان دیگران را قانع نکند؛ پس با قاطعیت و محکم‌تر حرف زدن می‌خواهند مطمئن شوند دیگران مقصود آن‌ها را درک می‌کنند (لیکاف، ۱۳۹۹، ص. ۸۶). کلام مستغانمی پر از تأکید و تکرار به‌ویژه تکرار انواع ضمیرها است.

«فلا شیء فلا شیء سواها یریده فی هذه الدنيا»
(مستغانمی، ۲۰۱۲: ۹۶).

مترجم زن: «آخر در این دنیا غیر از او هیچ چیز، هیچ چیز نمی‌خواهد» (مستغانمی، ۱۳۹۷: ۱۱۰).

مترجم مرد: «آخر غیر او چیز دیگری از این دنیا نمی‌خواست» (مستغانمی، ۱۴۰۱: ۹۹).

حتی در مواردی این تأکیدها در کلام مترجم زن شدت می‌گیرد و بیشتر می‌شود، مانند:

«ما کان من مجالٍ لمناقشته فی شیء» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۲۱۵).

مترجم زن: «با او در مورد هیچ چیز جای هیچ بحثی نبود» (مستغانمی، ۱۳۹۷: ۲۲۷).

مترجم مرد: «دیگر مجالی برای بحث و جدل با طلال نمانده بود» (مستغانمی، ۱۴۰۱: ۲۱۸).

«ولا أحد سیصدق یوماً ما سترویه. لا أحد» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۲۲۳).

مترجم زن: «هیچ‌کس آنچه را روایت می‌کند به هیچ‌وجه باور نخواهد کرد؛ هیچ‌کس» (مستغانمی، ۱۳۹۷: ۲۳۵).

مترجم مرد: «و هیچ‌کس آنچه را که روزی تعریف خواهد کرد، باور نمی‌کند. هیچ‌کس» (مستغانمی، ۱۴۰۱: ۲۲۲).

چنان‌که از نمونه‌ها پیداست، می‌توان گفت مترجم زن پابندی بیشتری به ترجمه تأکید و تکرارهای کلام مستغانمی دارد. این امر تعهد او را در امر ترجمه نشان می‌دهد. همچنین، به دلیل افزودن برخی تأکیدکننده‌ها در متن ترجمه توسط مترجم زن این مشاهده از منظر حضور مترجم یا، به عبارت

دیگر، بروز ویژگی‌های زبان زنانه در کلام مترجم زن قابل-بحث است (هرمانس، ۱۹۹۶)^۱ نتایج این بخش در راستای نتایج پژوهش‌های هادی‌پور (۱۳۹۶) و فرید و رستم‌پورملکی (۱۴۰۱) مبنی بر استفاده از استرس مؤکد و پابندی بیشتر مترجمان زن در ترجمه این قبیل تأکیدها است. نتایج این پژوهش‌ها حاکی از آن است که زنان در ترجمه این قبیل تأکیدها پابندی بیشتری نسبت به مترجمان مرد دارند.

۳-۵. ذکر جزئیات

جزئیات توجه زنان را به خود جلب می‌کند و این نگاه ریزبین و جزئی‌نگر منجر به کوتاهی جملات می‌شود. زنان در فضایی کوچک جزئیات زیادی را می‌بینند و در مورد آن صحبت می‌کنند. برای مثال، در دو نمونه زیر مواردی که زیر آن خط کشیده شده در ترجمه مترجم مرد حذف شده‌اند.

«حتى الكراسى بلون عاجی غیر مثقلة بالزخرفات. إنه فن المساحة. لا شیء بثقل فضاء الرؤیة والسجاد بیدو لوحه حریرة بألوان ناعمة مدّت علی الأرض» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۲۰۷).

مترجم زن: «حتى صندلی‌ها ساده و بی‌پیرایه بودند، به رنگ سفید عاجی. این هنر چیدمان است. هیچ چیز فضای دید را سنگین نمی‌کند. فرش گویی تابلویی ابریشمین است با رنگ‌هایی نرم و لطیف روی زمین گسترده شده است» (مستغانمی، ۱۳۹۷: ۲۱۹).

مترجم مرد: «حتى صندلی‌ها نیز به رنگ سفید عاجی و فارغ از سنگینی تزئینات بود؛ هنر خلق فضا» (مستغانمی، ۱۴۰۱: ۲۱۰).

«واقطلع من تربته، ترک لیجف فأصبحت سحنه شاحبة وانتهی خشباً جامداً. عندها تمّ تعریضه للنار لیقسو قلبه» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۶۴).

مترجم زن: «ریشه‌اش را از خاک درآوردند. گذاشتند تا خشک شود. سیمایش نحیف و زرد شد و دست آخر چوب بی‌جانی شد. در این هنگام آن را به دست آتش سپردند تا دل‌سخت شود» (مستغانمی، ۱۳۹۷: ۷۴).

مترجم مرد: «از ریشه‌اش جدا و از خاکش دور شد. رهایش کردند تا خشک شود» (مستغانمی، ۱۴۰۱: ۶۶).

اما ذکر جزئیات به حذف از سوی مترجم مرد ختم نمی‌شود. مترجم زن در برگرداندن جملات کوتاه مستغانمی نیز موفق‌تر عمل کرده است. او همچون نویسنده جملات کوتاه

^۱ Hermans (1996)

به شکل حدیث را کوتاه و پی‌درپی ترجمه کرده است. برای مثال، به این نمونه توجه کنید:

«هل تدعوه لیدخل؟ هل تستبقیه؟ عند الباب؟ هل تطرده؟ هل تسأله بأی حق؟ وبأی صوت تقول شیئاً من کل هذا، وقد ضاع صوتها منذ تسمّر أمامها» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۱۶۲).

مترجم زن: «دعوتش کند بیاید تو؟ دم در نگاهش دارد؟ بیرونش کند؟ از او بپرسد به چه حقی؟ و اصلاً با کدام صدا این‌ها را بگوید؟ آخر از وقتی جلوی او خشکش زده، صدایش گرفته است» (مستغانمی، ۱۳۹۷: ۱۷۵).

مترجم مرد: «مانده بود دعوتش کند بیاید تو یا دم در نگاهش دارد؟ بگوید برود یا بپرسد به چه حقی این‌جا آمده است؟ ولی لحظه‌ای که طلال در مقابل چشمانش ظاهر شد، صدایش گرفت، با کدام صدا می‌توانست این چیزها را بگوید؟» (مستغانمی، ۱۴۰۱: ۱۶۴).

طبق پژوهش روان‌شاد (۱۴۰۱: ۱۱۸-۱۹۹) توصیف و بیان جزئیات، جملات کوتاه، ساده و حدیث نفس از ویژگی‌های سبک نویسندگی مستغانمی است. درحقیقت، او جزئیات افراد، مکان و شخصیت‌ها را با دقت توصیف می‌کند و جملات را کوتاه و ساده بیان می‌کند. با بررسی ترجمه‌های رمان، این نتیجه حاصل شد که هیچ‌یک از توصیفات و ریزه‌کاری‌های مستغانمی از نظر مترجم زن پوشیده نیست. نتایج این پژوهش همسو با نتایج پژوهش شریفی‌فرو و زند (۱۳۹۲) در وفاداری مترجمان زن به متن، توجه به جزئیات داستان و انتخاب معادل‌های دقیق برای واژگان است. همان‌طور که نتایج این پژوهش حاکی از حذف برخی کلمات به دلیل تابوهای اجتماعی است، در پژوهش حاضر نیز مترجم زن تمام جزئیات مکان و ظواهر را با دقت و تعهد ترجمه کرده است و حتی در برگردان جملات ساده و متوالی متن نسبت به مترجم مرد دقیق‌تر عمل کرده است. بنابراین، در پاسخ به پرسش سوم پژوهش، تعهد مترجم زن در برگرداندن جزئیات بیشتر است.

۴-۵. تابوها و شیوه بیان غیرمستقیم

طبق گفته لیکاف (۱۹۷۵) کاربرد عبارات خارج از نزاکت و بی‌ادبانه در کلام زنان کم‌تر است و زنان گرایش به بیان غیرمستقیم کلام دارند. احمد مختار عمر (۱۹۹۶: ۹۸) به اجتناب زنان از به کار بردن تابوها اشاره می‌کند. با این حال، برخورد مترجم زن و مرد در ترجمه تابوها متفاوت بود و مترجم زن این تابوها را برگردانده است. برای مثال، مواردی

که زیر آن خط کشیده شده از تابوهایی است که در ترجمه مترجم مرد حذف شده است.

«لو باح لها بأنه يرثي لرجال جاؤوا العالم وسيغادرونه، من دون أن يكونوا قد خبروا قبله كتلك» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۱۷۰).

مترجم زن: «دوست داشت پیش او اعتراف کند که دلش می‌سوزد به حال مردهایی که به این دنیا می‌آیند و می‌روند بی‌آنکه چنان بوسه‌ای را تجربه کنند» (مستغانمی، ۱۳۹۷: ۱۸۴).

مترجم مرد: «دلش می‌خواست از مرثیه‌ای بگوید که برای آن دسته از مردانی که پا به جهان می‌گذاشتند و بدون آنکه بتوانند طعم چنین حسی را تجربه کنند می‌رفتند، سروده بود» (مستغانمی، ۱۴۰۱: ۱۷۲).

«أشتهي أن أشمك.. أحب رائحة أنوثتك..» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۲۱۸).

مترجم زن: «هوس کردم بویت کنم، بوی زنانگی‌ات را دوست دارم» (مستغانمی، ۱۳۹۷: ۲۳۰).

مترجم مرد: بدون ترجمه. نتایج این بخش در تأیید پژوهش‌های صورت‌گرفته نیست. شریفی‌فرو و زند (۱۳۹۲) حذف و یا تعدیل بعضی از واژگان جنسیتی از سوی مترجم زن را تأییدی بر رعایت ادب دانسته‌اند. چنان‌که اشاره شد، آن‌ها در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مترجمان زن معادل‌های دقیق‌تری برای واژگان برگزیدند، اما در مقابل تابوها اقدام به حذف آن‌ها کرده‌اند. ادعای آن‌ها در حذف این موارد از سوی مترجم زن به دلیل رعایت ادب چندان درست نیست و از کاستی‌هایی است که اعطار شرقی و نوروزعلیایی (۱۳۹۹) به‌عنوان پیش‌داوری پژوهشگران در مطالعات زنانه‌نویسی بیان می‌کنند، چراکه ممکن است علاوه‌بر رویکرد مترجم محدودیت و ضوابط انتشارات در ایران هم در این امر تأثیرگذار باشد. مشاهده برخی ویژگی‌های زبانی در کلام مردان که به‌طور سنتی به زنان نسبت داده می‌شود، این دیدگاه ذات‌گرایانه را مبنی بر وجود تفاوت‌های ذاتی در زبان زنان و مردان به چالش می‌کشد. این مشاهدات می‌توانند دال بر این باشند که کاربرد زبان تنها با جنسیت تعیین نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از عوامل شامل بافت اجتماعی، هویت فردی و ویژگی‌های شخصیتی آن را رقم می‌زنند (تالبوت، ۲۰۱۹). سیالیت (Fluidity) و تنوعی که در کاربردهای زبانی بین دو جنس

^۱ Talbot (2019)

دیده می‌شود، حاکی از ضرورت اتخاذ دیدگاهی است که فراتر از دسته‌بندی‌های ساده‌انگارانه دوتایی در باب زبان و جنسیت است.

لیکاف شیوه بیان غیرمستقیم را نیز از مؤلفه‌های زبان زنانه می‌داند. در این ارتباط، ماشری بر این باور است که رابطه متن ادبی با ایدئولوژی نویسنده از طریق آنچه گفته می‌شود نیست، بلکه در ارتباط با نگفته‌ها است (به نقل از ایجلتون، ۱۹۸۶: ۴۰-۴۱). اما، برخلاف بسیاری از نوشته‌های زن‌نوشت، کلام مستغانمی صریح است و از زبان شخصیت‌های داستان به فرهنگ‌ها و نگرش‌های غلط ضدزن جامعه الجزایر اشاره می‌کند. برای مثال، دو نمونه زیر از زبان طلال است که زنان را احمق و ساده‌لوحانی می‌داند که همه‌شان شبیه به هم هستند. «لا أكثر سذاجة من النساء غيبة قبل أن تجلسها على كرسی كهربائي للاعتراف، تتطوع بإعطائك من المعلومات أكثر مما تتوقع» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۱۵۸).

مترجم زن: «از زن‌ها ساده‌تر خودشان. زن احمق، پیش از آنکه او را برای گرفتن اعتراف روی یک صندلی الکتریکی بنشانی خودش داوطلبانه، بیشتر از آن‌چه که فکرش را می‌کنی اطلاعات می‌دهد» (مستغانمی، ۱۳۹۷: ۱۷۱).

مترجم مرد: «ساده‌تر از زن‌ها پیدا نمی‌شود. قبل از اینکه یک زن ساده را برای اعتراف روی صندلی الکتریکی بنشانی، خودش داوطلبانه بیش از آنچه انتظارش را داری به تو اطلاعات می‌دهد» (مستغانمی، ۱۴۰۱: ۱۶۱).

«استنتجت أنها امرأة ساذجة، منخرطة في حزب المتخلفين الحالين، الأوفياء لأوهامهم» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۱۶۵).

مترجم زن: «به این نتیجه رسید که او زنی است ساده، وابسته به حزب عقب‌ماندگان که رؤیاپردازند و وفادار به تخیلاتشان» (مستغانمی، ۱۳۹۷: ۱۷۸).

مترجم مرد: «هاله به این نتیجه رسید که زن ساده‌ای است که به حزب رؤیاپردازان خلافکاری که به توهمات خودشان پایبندند، پیوسته» (مستغانمی، ۱۴۰۱: ۱۶۷).

جملات زیر هم نمونه‌ای دیگر هستند که از زبان عمه هاله گفته می‌شوند. او زنی سنتی است که در مقابل فرهنگ مردسالار جامعه سر خم کرده است و هاله را دائماً به‌خاطر ازدواج نکردنش سرزنش می‌کند.

«ما الذي ينقصه؟ أي عيب وجدته فيه كي تفسخي الخطوبة؟ أعتقد أن كثيرين سيتسابقون إلى الزواج من معلمة أبوها مغن؟ الطبيبات والمحاميات ما وجدن رجلاً

وأنت فرطت في شاب من عائلة كبيرة» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۲۲).

مترجم زن: «چه کم دارد؟ چه عیبی در او دیدی که نامزدی را به‌هم‌زدی؟ فکر می‌کنی خیل خواستگاراها برای ازدواج با خانم معلمی که پدرش مطرب است، پاشنه خانه را از جا می‌کنند؟ خانم دکترها و وکیل‌ها شوهر پیدا نکردند، آن‌وقت تو یک جوان خانواده‌دار را سبک کردی» (مستغانمی، ۱۳۹۷: ۲۹).

مترجم مرد: «مگه این جوون چی کم داشت؟ چه عیب و نقصی داشت که خواستگاری رو به هم زدی و جواب رد دادی؟ فکر می‌کنی جوونا واسه ازدواج با خانم معلمی که پدرش خواننده‌اس، صف کشیدن؟ با هم رقابت می‌کنن؟ خانمای پزشک و وکیلاشم تو پیدا کردن مرد رویایشون موندن، اون‌وقت تو جوونی رو که از یه خانواده بزرگ بود دک کردی!» (مستغانمی، ۱۴۰۱: ۲۴).

باتوجه به کلام صریح مستغانمی که لحنی کنایی دارد و برخلاف گفتمان ویژه زنان است، مترجم زن همان نیز صریحاً و مستقیم این عبارات را برگردانده است و این مترجم مرد است که در ترجمه این عبارات محتاط‌تر عمل کرده است. درواقع، این مشاهدات برخلاف گفته لیکاف مبنی بر محافظه‌کاری زبان زنان است. همان‌طور که هولمز (۲۰۱۳) استدلال می‌کند، بروز ویژگی‌های زنانه و مردانه در زبان بیشتر متأثر از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی و نقش‌هایی است که زنان و مردان در جامعه ایفا می‌کنند. او بر تمایز دو واژه «جنس» و «جنسیت» تأکید می‌کند و اولی را ناشی از تمایزهای زیست‌شناختی و دومی را براساس شاخصه‌های اجتماعی-فرهنگی می‌داند. او اذعان می‌دارد که فلسفه چنین تمایزی این است که جنسیت امری متأثر از اجتماع و فرهنگ است و به‌تبع آن، انتساب افراد به‌لحاظ جنسیت به دو دسته مطلق زن و مرد ناکارآمد است. درواقع، گاهی مؤلفه‌های زبان زنانه، و یا به تعبیر درست‌تر ویژگی‌های منتسب به زبان زنانه، در کلام مردان دیده می‌شود.

۵-۵. تعابیر، اصطلاحات و وجوه عاطفی زنانه

لیکاف (۱۹۷۵) بر این عقیده است که زنان در گفتار خود از واژگان، تعابیر و گونه‌های خاصی از دشنام و نفرین استفاده می‌کنند که به آن‌ها برچسب سخن زنانه می‌زنند. اما مترجم مرد رمان در ترجمه گفت‌وگوی شخصیت‌های داستان این وجوه عاطفی را بیشتر به کار می‌برد و حتی گاهی این عبارات را به ترجمه اضافه می‌کند. برای مثال، عباراتی که زیر آن خط

کشیده شده از تعبیر و وجوه عاطفی نسبت داده شده به زبان زنان است که در کلام مترجم مرد دیده شد.

«مَنْ مَرَاتِحَهُ كَسَفَرَتِكَ لِمَصْرٍ وَلَأَجْوَانِهَا الْفَنِيَّةُ»
(مستغانمی، ۲۰۱۲: ۱۰۴).

مترجم زن: «خیالم بابت سفرت به مصر و فضاهاى هنرى - اش آسوده نیست» (مستغانمی، ۱۳۹۷: ۱۱۵).

مترجم مرد: «خیالم بابت سفر مصر و وضای هنرى ش راحت نیست. دلم شور می‌زنه» (مستغانمی، ۱۴۰۱: ۱۰۶).

«عليك اللعنة.. كنت سقتلني!» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۲۱۲).

مترجم زن: «لعلنت به تو داشتى مرا می‌کشتى» (مستغانمی، ۱۳۹۷: ۲۱۴).

مترجم مرد: «لعلنتى کم مونده بود سخته کنم!» (مستغانمی، ۱۴۰۱: ۲۱۵).

پ. «يا حبيبى يا ابنى.. يا ضيعان شاباك ما إجت إلا فيك»
(مستغانمی، ۲۰۱۲: ۲۳۲).

مترجم زن: «عزیزم، پسر، جوان ناکامم، این بلا فقط سر تو نازل شد» (مستغانمی، ۱۳۹۷: ۲۲۴).

مترجم مرد: «پسر، پارهٔ تنم. چرا باید پرپرشدنت رو تو جوونى ببینم» (مستغانمی، ۱۴۰۱: ۲۲۹).

«روح يا وليدى الله يفتح لك كل باب وينصرک على عديانک» (مستغانمی، ۲۰۱۲: ۲۳۵).

مترجم زن: «برو پسر خدا همهٔ درها را به رویت باز کند و تو را به دشمنان پیروز کند» (مستغانمی، ۱۳۹۷: ۲۴۷).

مترجم مرد: «پناه بر خدا... برو پسر، انشاءالله خداوند مرادت رو بده و درهای روزی‌ش به روت باز بشه و دشمنان رو ذلیل کنه» (مستغانمی، ۱۴۰۱: ۲۳۲).

به‌طور سنتی، گونه‌ای از زبان را که میان زنان کاربرد دارد زبان «اواخواهری» می‌گویند و کاربرد آن را متعلق به گفتار مردان می‌دانند (باطنی، ۱۳۷۰: ۳۳). اما در این پژوهش، کاربرد عبارات و وجوه عاطفی زنانه در کلام مترجم مرد مشهود بود. گویی مترجم مرد با توجه به کلیشه‌های جنسیتی موجود و بدون توجه به کلام صریح مستغانمی از عباراتی استفاده می‌کند که به زبان زنان نسبت داده‌اند.

طبق رویکرد ساخت‌گرایی اجتماعی، هویت جنسیتی یک ساخت اجتماعی است که در تعاملات شکل می‌گیرد و ماهیتی ایستا و ثابت ندارد، بلکه در حال تغییر و تحول است. بنابراین، نمی‌توان ویژگی‌های صددرصد ثابتی برای زبان یک جنس قائل شد (کوتس، ۲۰۱۳) همان‌طور که در بخش یافته‌ها

آمد، بخشی از یافته‌های این مطالعه پیش‌فرض‌های سنتی راجع به زبان زنانه را به چالش می‌کشد. شاید وجود ویژگی‌هایی مختص و در ذات زبان زنانه دیرزمانی در مطالعات زبانی و همچنین در جامعه بدیهی انگاشته شده باشد اما اکنون دیگر نمی‌توان به قطعیت گذشته ویژگی‌های صددرصد ثابتی برای زبان زنان و مردان در نظر گرفت.

۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، نمود جنسیت مترجم در ترجمه‌های رمان «الأسود یلیق بک توسط مریم اکبری و محمد حمادی بررسی شد تا مشخص شود در ترجمهٔ کدام یک از مترجمان الگوهای زبان زنانهٔ لیکاف بیشتر استفاده شده است و آیا استفاده از ویژگی‌های برشمرده برای زبان زنان مختص به مترجم زن است.

نتایج بررسی نشان داد که در این رمان نویسنده با آنکه در مورد زنان می‌نویسد، چندان از واژگان متعلق به حوزهٔ زنان استفاده نمی‌کند. اما در مواردی که واژگان متعلق به حوزهٔ زنان یافت می‌شود، مترجم زن در ترجمهٔ آن‌ها از همان واژگانی استفاده می‌کند که آن‌ها را متعلق به حوزهٔ زنان می‌دانند. همچنین، کاربرد تأکید و تکرار در کلام مستغانمی زیاد به چشم می‌خورد. در این میان، این مترجم زن بود که به این تأکید و تکرارها پایبند بود و حتی گاهی با ذکر تأکیدهای بیشتر این مؤلفهٔ منتسب به زبان زنان در ترجمهٔ مترجم زن بیشتر احساس می‌شد. یکی از ویژگی‌های زبان زنانه توجه به جزئیات و جملات کوتاه و ساده است. در این مورد هم مترجم زن با دقت و تعهد تمام جزئیات داستان را ترجمه کرده است، درحالی‌که مترجم مرد دست به حذف برخی از این جزئیات می‌زند. همچنین، در مورد جملات کوتاه و ساده - ای که مستغانمی در رمان به شکل حدیث نفس و پرسش‌های پی‌درپی بیان می‌کند، مترجم زن دقیق‌تر عمل کرده است.

اما نتایج مواردی در تضاد با الگوهای لیکاف را نیز نشان داد. برای مثال، برخورد مترجم زن و مرد با مقولهٔ ادب و تابوشکنی‌ها برخلاف گفتهٔ لیکاف و مطالعات صورت‌گرفته بود. در سراسر رمان، با عباراتی از زبان شخصیت‌های زن روبه‌رو هستیم که بازتاب فرهنگ‌های کلیشه‌ای الجزایر در مورد زنان بوده است. مترجم زن از این موقعیت استفاده کرده است و با به کار بردن واژگانی که شاید در ظاهر جنسیت‌زده باشند این فرهنگ غلط را با کنایه و تعریض به سخره می‌گیرد و گویی خود مترجم نیز از زبان خود لب به انتقاد می‌گشاید. اما مترجم مرد، در مقابل، با عبارات محتاط‌تر

و محافظه‌کارانه‌تر ترجمه می‌کند. کاربرد تابوها در کلام مستغانمی بسیار دیده می‌شود و حتی گاهی از زبان شخصیت‌ها زنان را احمق و ساده خطاب می‌کند تا نگرش جامعه الجزایر را نسبت به زنان نمایش دهد. نتایج نشان داد مترجم زن، برخلاف مترجم مرد، این عبارات را مستقیماً و بی‌پرده ترجمه کرده است. کاربرد تعابیر و اصطلاحات زنانه نیز از مواردی بود که در کلام مترجم مرد بیشتر مشهود بود. برخی مطالعات بسامد کاربرد وجوه عاطفی را در کلام زنان بیشتر می‌دانند، درحالی‌که نتایج این پژوهش برخلاف سایر پژوهش‌ها بود. بنابراین، طبق برخی مطالعات صورت‌گرفته حوزه زنان، زبان زنانه یا، به تعبیر درست‌تر، ویژگی‌های منتسب به زبان زنانه جهان‌شمول و کلی نیست و لزوماً در همه نوشتار زنان چه در ترجمه و چه در تألیف به چشم نمی‌خورد.

به‌طور کلی، موارد عدم تطابق با الگوی لیکاف را می‌توان از دو منظر توجیه کرد. اول این‌که همان‌طور که هولمز (۲۰۱۳) استدلال می‌کند بروز ویژگی‌های زنانه و مردانه در زبان بیشتر متأثر از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی و نقش‌هایی است که زنان و مردان در جامعه ایفا می‌کنند. او اذعان می‌دارد که فلسفه چنین تمایزی بر این امر استوار است که جنسیت امری متأثر از اجتماع و فرهنگ است و به تبع آن، انتساب افراد به لحاظ جنسیت به دو دسته مطلق زن و مرد ناکارآمد است. از نظر او، ویژگی‌های زنانه و مردانه، و به بیانی جنسیت را باید در قالب یک پیوستار دید که در آن رفتارهای زنانه و مردانه هر یک به شکل نقطه‌ای مجزا نمود نمی‌یابند، بلکه به شکل گرایش‌هایی در حال نوسان هستند. از آنجاکه جنسیت متأثر از مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی است، با تغییر نقش‌های زن و مرد در جوامع امروزی، مرز میان زبان زنانه و مردانه کم‌رنگ‌تر شده است. زنان بیش از گذشته در جامعه و بازار کار حضور دارند و مردان بیشتری نیز درگیر امور خانه شده‌اند. همه این عوامل باعث شده تا هنجارهای پیشین اجتماعی محدودکننده که ویژگی‌های زنانه و مردانه را تعیین می‌کردند به چالش کشیده شوند. بنابراین، در این دیدگاه، تفاوت‌های جنسیتی در زبان افراد نمودی از تفاوت‌های زبانی جنسیتی در سطحی فراگیرتر، یعنی در جامعه است و این تفاوت‌ها هم به‌نوبه خود نشان‌دهنده تفاوت‌ها در جایگاه اجتماعی و روابط قدرت است.

به‌علاوه، می‌توان مشاهدات این پژوهش را از منظر رویکرد پویا یا ساخت‌گرایی اجتماعی به مطالعات مرتبط با

جنسیت و زبان نیز توجیه کرد (کوتس، ۲۰۱۳). طبق این رویکرد، هویت جنسیتی یک ساخت اجتماعی است که در تعاملات شکل می‌گیرد و ماهیتی ایستا و ثابت ندارد، بلکه در حال تغییر و تحول است. بنابراین، نمی‌توان ویژگی‌های صدردصد ثابتی برای زبان یک جنس قائل شد. همان‌طور که در بخش یافته‌ها آمد، بخشی از مشاهدات این پژوهش پیش‌فرض‌های سنتی راجع به زبان زنانه را به چالش می‌کشد. شاید وجود ویژگی‌هایی مختص و در ذات زبان زنانه دیرزمانی در مطالعات زبانی و همچنین در جامعه بدیهی انگاشته شده باشد. باین‌حال، برخی نتایج خلاف آن را نشان داد. به‌نظر می‌رسد چنین رویکرد سنتی قابلیت تشریح پیچیدگی‌ها و گونه‌گونی‌های موجود در کاربردهای زبانی افراد مختلف و جنسیت‌های مختلف را ندارد. این مسئله اهمیت استفاده از چهارچوبی بر پایه رویکرد ساخت‌گرایی اجتماعی در تبیین یافته‌ها و تأثیر آن در درک روابط زبان و جنسیت را نشان می‌دهد.

این مطالعه با اتخاذ چهارچوبی جامعه‌شناختی برای تبیین یافته‌ها، در صدد بود ضمن تلاش در جهت پرکردن شکاف پژوهشی موجود (اعطارشرقی و نوروزعلیایی، ۱۳۹۹)، اهمیت بررسی نقادانه و ساختارشکنانه هنجارها و انتظارات اجتماعی در رابطه با کاربرد زبان را برجسته کند و گامی باشد در جهت نمایاندن ضرورت به‌رسمیت شناختن عاملیت افراد، صرف‌نظر از جنسیت‌شان، در شکل‌دهی کنش‌های زبانی‌شان. لازم است خاطرنشان کنیم همه تفاوت‌های میان دو ترجمه لزوماً به خاطر جنسیت مترجم نیست، بلکه عوامل دیگری نیز می‌توانند در بروز ویژگی‌های متفاوت نقش داشته باشند. ازجمله این موارد می‌توان به رویکرد مترجم، ضوابط انتشاراتی و هدف از ترجمه اشاره کرد. به‌علاوه، در مواردی که بیش از یک ترجمه از یک اثر وجود دارد، ترجمه‌های متأخر یا بازترجمه (ها) ممکن است تحت تأثیر ترجمه یا ترجمه‌های اولیه باشند؛ بدین معنا که برخی ویژگی‌های مشهود از بازترجمه (ها) می‌تواند متأثر از ترجمه اول باشد (قرائی و حسینی‌نسب، ۱۴۰۱). درواقع، بررسی تأثیر همه عوامل مذکور بر برون‌داد ترجمه در یک پژوهش و شناسایی عامل اصلی در بروز ویژگی‌های خاص در یک ترجمه به سادگی امکان‌پذیر نیست و این پژوهش نیز از این قاعده مستثنا نیست. بنابراین، بررسی برهم‌کنش کلیه این عوامل و نقش آن‌ها در برون‌داد ترجمه از محدودیت‌های پژوهش حاضر به شمار می‌رود.

منابع

روانشاد، فاطمه، و افصلی، فرشته. (۱۴۰۱). نمود
مشخصه‌های زنانه‌نویسی در رمان الأسود بلیق بک
احلام مستغانمی بر پایه سبک‌شناسی فمینیستی سارا
میلز. *ادب عربی*، ۲، ۱۲۸-۱۰۹.

<https://doi.org/10.22059/jal.2021.321897>
612377

زندرجیمی، مینا و آخوندی، الهه. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر جنسیت و
ایدئولوژی مترجم در ترجمه حکمت‌ها، خطبه‌ها و
نامه‌های مرتبط با زنان در نهج‌البلاغه. *دوفصلنامه علمی*
-پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۱۵، ۳۰۱-
۳۳۹. <http://qhts.modares.ac.ir/article-10-48912-fa.html>

سرایلو، زینب. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی سبک زنانه در آثار
داستانی غاده السمان و زویا پیرزاد. «پایان‌نامه
کارشناسی ارشد» زبان و ادبیات عربی دانشگاه محقق
اردبیلی.

شریفی‌فر، مسعود، و زند، فاطمه. (۱۳۹۲). تأثیر زبان زنانه و
نگرش‌های فرهنگی - جنسیتی بر ترجمه. *فصلنامه*
مطالعات زبان و ترجمه، ۳، ۱۴۲-۱۶۵.
عمر، احمد مختار. (۱۹۹۶). *اللغة واختلاف الجنسين*. بیروت:
عالم الكتب.

غلامی، سنا، جرفی، محمد، اناری بزلجویی، ابراهیم، و
مختاری، قاسم. (۱۴۰۱). نقد و تحلیل سنت
نوشتاری زنانه در چهار رمان زنانه الجزایری بر
نظریه الین شوالتر. *ادب عربی*، ۳، ۴۸-۲۸.
<https://doi.org/10.22059/jal.2021.325356>
612402

فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و
روش‌ها. تهران: سخن.

فرید، زهرا، و رستم‌پور ملکی، رقیه. (۱۴۰۱). زبان زنانه در
رمان طيور أیلول، امیلی نصرالله بر اساس نظریه
لیکاف. *دوفصلنامه روایت‌شناسی*، ۱۱، ۳۷۲-۳۳۷.
<https://doi.org/10.22034/jlc.2021.133813>

قرائی، زهره، و حسینی‌نسب، حدیث. (۱۴۰۱). موردپژوهی
گرایش‌های بینامتنی در بازترجمه‌ها بر اساس روابط
قربت و تعارض. *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌*
های خارجی، ۱۲، ۵۳۵-۵۱۵.
<https://doi.org/10.22059/jflr.2022.345668>

967

آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۹۱). *فرهنگ معاصر عربی-فارسی*.
تهران: نشر نی.

اعطارشرقی، نوید، و نوروزعلیانی، فائزه. (۱۳۹۹). بررسی
تطبیقی مطالعات سبک نوشتار زنانه و تأثیر جنسیت
بر ترجمه و تألیف در ایران. *جستارهای زبانی*، ۲،
۱۸۵-۲۳۰. <http://lrr.modares.ac.ir/article-14-43023-fa.html>

ایجلتون، تری. (۱۹۸۶). *المارکسیه والنقد الأدبی*. ترجمه ج.
عصفور. بیروت: دار قرطبه للطباعة والنشر، الدار
البيضاء.

باطنی، محمد رضا. (۱۳۷۰). *همبستگی زبان و اجتماع: مسائل*
زبان‌شناسی نوین. تهران: آگاه.

برهومة، عیسی. (۲۰۰۲). *اللغة والجنس*. عمان: دارالشروق.
خلیل نژاد اصل، غریب، یگانی، مصطفی، و صدرالدینی،
اردشیر. (۱۴۰۳). نقد و بررسی سنت نوشتاری زنانه
در سه رمان هدی برکات بر پایه مؤلفه زیست‌شناختی
الین شوالتر. *مجله الجمعیه ایرانیه للغة العربیه*
وآدابها، ۷، ۲۲۰-۱۹۷.

<https://doi.org/10.22034/iaall.2023.40310>
0.2812

رحیمی، رویا، سلامت، لطیفه، و خیالی خطیبی، احمد.
(۱۴۰۲). مؤلفه‌های شاخص واژگانی در رویکرد
لیکاف در رمان‌های شیوا ارسطویی و سیمین دانشور
با تأکید بر دشواژه‌ها، رنگ‌واژه‌ها و سوگندواژه‌ها.
پژوهش‌نامه زبان عربی، ۳، ۱۲۲-۹۱.

<https://doi.org/10.22054/jrll.2023.75370.1>
047

رضوانی، وجیهه. (۱۳۹۹). بازتاب فرهنگی هویت زنانه در
ضرب المثل‌های زبان فارسی و روسی. *پژوهش‌های*
زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۰، ۷۸۸-۷۹۹.
<https://doi.org/10.22059/jflr.2021.315696>

787

رمضانی، ر. (۲۰۱۲). *تجلیات النظرية النسوية فی ترجمه*
الأدب النسوي، فوضى الحواس لأحلام مستغانمی
دراسة تطبيقية. رسالة الماجستير فی الترجمة لجامعة
السانيا-وهرا.

- Sage Publications.
<https://dx.doi.org/10.4135/9781483384436>
- Hermans, T. (1996). The translator's voice in translated narrative. *Target: International Journal of Translation Studies*, 8(1), 23-48.
<https://doi.org/10.1075/target.8.1.03her>
- Holmes, J. (1996). Sex and language. In H. Gobel, P.H. Nelde, Z. Sary, & W. Wolck (Eds.), *Contact linguistics: An international handbook* (pp. 720-725). De Gruyter.
https://www.researchgate.net/publication/354605139_Language_contact_an_international_handbook_Volume_1
- Jespersen, O. (1922). The Woman. In O. Jespersen (Ed.), *Language: Its nature, development and origin* (pp. 237-254). Allen and Unwin.
https://pure.mpg.de/rest/items/item_2350913_3/component/file_2350912/content
- Lakoff, R. (1975). Language and woman's place. *Language in Society*, 1(2), 45-80.
<https://home.cc.umanitoba.ca/~rosenn/papers/Lakoff.pdf>
- Talbot, M. (2019). *Language and gender* (3rd ed.). Polity.
<https://www.amazon.com/Language-Gender-Mary-Talbot/dp/150953010X>
- Tannen, D. (1994). *You just don't understand: Women and men in conversation*. Ballantine Books.
<https://www.amazon.com/You-Just-Dont-Understand-Conversation/dp/0060959622>
- لیکاف، رابین. (۱۳۹۹). *زبان و جایگاه زن*. ترجمه م. خدادادی وی. پوراسماعیل. تهران: انتشارات نگاه.
- محمدی، اویس. (۱۳۹۹). بررسی تغییر زبان زنانه در ترجمه شعرهای غاده السمان به فارسی، مطالعه موردی: دو ترجمه «غم‌نامه‌ای برای یاسمن‌ها» و «علیه تو اعلان عشق می‌دهم» از عبدالحسین فرزاد. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۲۳، ۹۱-۱۱۸.
<https://doi.org/10.22054/rctall.2020.52293>
- مستغانمی، احلام. (۲۰۱۲). *الأسود یلیق بک*. بیروت: نوفل.
- اکبری. تهران: نیلوفر.
- حمادی. تهران: هیرمند.
- هادی‌پور، هدی، و بهرامی نظرآبادی، نجمه. (۱۳۹۶). *زبان زنانه و ترجمه: مطالعه موردی کاغذ دیواری زرد*. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۲، ۵۸۹-۶۰۲.
<https://doi.org/10.22059/jflr.2017.237363>
- 358
- ## References
- Berg, B. L., & Lune, H. (2017). *Qualitative research methods for social sciences* (9th ed.). Pearson.
<https://indianapublications.com/Journals/IJHSS>
- Coates, J. (2013). *Women, men and language: A sociolinguistic account of sex difference in language*. Longman.
<https://doi.org/10.4324/9781315645612>
- Creswell, J. W., & Creswell, J.D. (2023). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches* (6th ed.). Sage Publications.
https://spada.uns.ac.id/pluginfile.php/510378/mod_resource/content/1/creswell.pdf
- Guest, G., MacQueen, K.M., & Namey, E.E. (2012). *Applied thematic analysis*.

von Flotow, L. (2010). Gender in translation.
In Y. Gambier, & Doorslaer, L.V.
(Eds.), *Handbook of Translation
Studies* (pp. 129-133). Benjamins.
<https://doi.org/10.1075/hts.1.gen1>